

دوشنبه 12 دی 8 صفر 2 ژانویه

درگذشت سلمان فارسی در سال 35 هجری قمری ...

درگذشت سلمان فارسی در سال 35 هجری قمری

سلمان فارسی از شخصیت‌های اسلامی بلندآوازه و از صحابه معروف پیامبر اکرم(ص) است.

وی با این که ایرانی‌نژاد بود، در میان عرب‌ها و مسلمانان حجاز که غالباً عرب‌نژاد بودند، به مقامی رفیع و مرتبه‌ای بلند دست یافت. در سال اول هجری، هنگامی که پیامبر اکرم(ص) میان هر دو نفر از مسلمانان مهاجر و انصار پیمان برادری برقرار نمود، میان سلمان و ابودردا(عویمر بن زید) نیز عقد اخوت بست و در این ماجرا به سلمان فرمود: یا سلمان أنت من أهل البيت و قد آتاك الله العلم الاوّل و الآخر و الكتاب الاوّل و الكتاب الآخر؛ ای سلمان، تو از اهل‌بیت ما هستی و خدای سبحان به تو دانش نخستین و واپسین را عنایت کرده است و کتاب اوّل(نخستین کتابی که بر پیامبران الهی نازل شده بود) و کتاب آخر(قرآن مجید) را به تو آموخته است.

ابوالبحتری روایت کرد: از حضرت علی(ع) درباره شخصیت سلمان فارسی پرسش شد، آن حضرت فرمود: تابع العلم الاوّل و العلم الآخر و لایدرک ما عنده؛ سلمان، به دست آورنده و پیروی کننده دانش نخست و دانش واپسین(یعنی تمامی معارف) بود و آن چه در نزد اوست، بر دیگران پنهان مانده است.

سلمان فارسی به حذیفه بن یمان که از دوستان وی بود، درباره دانش و معرفت، چنین سفارش کرد: یا أخوا بنی‌عبس، انّ العلم کثیر و العمر قصیر فخذ من العلم ما تحتاج الیه فی أمر دینک و دع ما سواه فلا تعانه؛ ای برادر طایفه بنی‌عبس، بدان که دانش، بسیار است و عمر انسان کوتاه، پس به مقداری که در امر دین‌ات به آن نیاز داری، به دست آور و مابقی را رهاکن و خود را در تحصیل آن به خستگی نینداز.

از پیامبر اکرم(ص) روایت شد: روح الامین بر من نازل گردید و به من گفت که خدای متعال، چهار تن از صحابه مرا دوست دارد.

از آن حضرت پرسیدند: یا رسول‌الله(ص)، آن چهار تن کیانند؟

پیامبر(ص) فرمود: آنان عبارتند از: علی، سلمان، ابوذر و مقداد.

هم چنین قنبر از امیرمؤمنان(ع) و آن حضرت از پیامبر(ص) روایت کرد: آگاه باشید که بهشت برین، مشتاق چهار تن از یاران من است. خداوند سبحان به من دستور داده است که آنان را دوست داشته باشم.

در این هنگام، تنی چند از صحابه مانند صهیب، بلال، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، حذیفه و عمار یاسر به پیامبر(ص) نزدیک شده و از آن حضرت پرسیدند: ای پیامبر خدا(ص)! آن چهار تن کیانند؟ به ما نیز بشناسان تا ما هم آنان را دوست داشته باشیم.

پیامبر(ص) فرمود: ای عمار! تو همانی که خداوند سبحان، شناخت منافقان را به تو عنایت کرد. اما آن چهار نفر عبارتند از: اوّل: علی بن ابی طالب(ع)، دوّم: مقداد بن اسود، سوّم: سلمان فارسی و چهارم: ابوذر غفاری.

مؤلف شهیر " اسد الغابة"، زندگی‌نامه سلمان را از ابن عباس به تفصیل نقل کرده است که خلاصه آن چنین است: وی از اهالی روستای "جی" از توابع اصفهان بود و پدرش دهقان تلاشگر و از پیروان دین زرتشت در این روستا بود و به خاطر علاقه و محبت زیاد به فرزندش سلمان، او را از کار باز می‌داشت و خدمت‌کار آتشکده زرتشتیان نمود. اما سلمان با مسیحیان منطقه خود آشنا شد و به کیش مسیحیت درآمد. ولی با مخالفت شدید پدرش مواجه گردید. پدرش برای جلوگیری سلمان از پیوستن به مسیحیان، وی را در بند نمود

و در خانه خویش زندانی کرد. سلمان از مسیحیان یاری جست و از بند و زندان پدر رها شد و به سوی شام هجرت کرد. در آن جا با مسیحیت آشنایی بیشتری پیدا کرد و در کنار اسقف شام به خدمت‌کاری این دین پرداخت. پس از درگذشت بزرگ مسیحیان در شام، به موصل رفت و پس از مدتی به "عموریه" نقل مکان کرد و در این مدت نیز به مسیحیت و مسیحیان خدمت می‌کرد و هم درباره این دین الهی، تحقیق و تفحص بیشتری به عمل می‌آورد. پس از درگذشت بزرگ مسیحیان عموریه، به همراه گروهی از عرب‌های طایفه بنی‌کلب به شبه‌جزیره عربستان هجرت کرد و عرب‌ها ناجوانمردانه وی را در وادی‌القری به مردی از یهود فروختند. مدتی نگذشته بود که مردی از یهودیان بنی‌قریظه، او را از آن یهودی خرید و به همراه خود، به مدینه برد. سلمان، مدتی در این شهر به خدمت‌کاری یهودیان پرداخت. تا این که با دعوت پیامبر(ص) آشنا گردید و گمشده خود را در وجود شیرین پیامبر(ص) یافت.

وی، مسلمان شد و به فرمان رسول خدا(ص) با صاحب خود پیمان بست که قیمت خود را پرداخت کند و آزاد گردد. مرد یهودی با وی عقد مکاتبه بست که در قبال غرس سیصد نهال خرما و یک دبه کامل و چهل اوقیه طلا، وی را آزاد نماید.

پیامبر اکرم(ص) و برخی از صحابه آن حضرت، وی را یاری کردند تا قیمت کامل خویش را به یهودی پرداخت کرد و طعم آزادی را بار دیگر چشید و در زمره مسلمانان آزاد و یاران نزدیک رسول خدا(ص) درآمد.

سلمان در سالی که پیامبر(ص) میان هر دو مسلمانان عقد اخوت بست، به عقد اخوت ابودرداء درآمد و در جنگ خندق، از طراحان اصلی جنگ بود و از آن بعد در تمامی جنگ‌های مسلمانان شرکت نمود و حتی پس از رحلت رسول خدا(ص) در برخی از فتوحات اسلامی حضور فعال داشت.

وی پس از رحلت پیامبر(ص) به کوفه رفت و در آن جا مقیم گردید. سرانجام در سال 35 هجری قمری در آخر خلافت عثمان و به قولی در اول سال 36 هجری قمری، بدرود حیات گفت.

برخی از مورخان روز وفات سلمان را، هشتم صفر دانسته‌اند. اگر منظورشان صفر سال 35 قمری باشد، پس وفاتش در آخرین سال خلافت عثمان بن عفان روی داده است. ولی اگر مرادشان صفر سال 36 قمری باشد، دانسته می‌شود که وی در اوائل خلافت حضرت علی(ع) زنده بود و حکومت مدائن را هم چون گذشته بر عهده داشت و پس از قریب به پنجاه روز از خلافت آن حضرت، در مدائن وفات یافت. حضرت علی(ع) آن هنگام در مدینه ساکن بود و هنوز به کوفه مهاجرت نکرده بود. آن حضرت، در عالم غیب از مدینه به مدائن رفت و بر جنازه سلمان نماز خواند و وی را در همان مکان دفن نمود.

سلمان فارسی چه آن هنگامی که در مدینه ساکن بود و چه آن هنگامی که به کوفه هجرت کرد و چه آن هنگامی که از سوی عمر بن خطاب به حکومت مدائن منصوب شد، لحظه‌ای از محبت و دوستی حضرت علی(ع) و خاندان وی غافل نشد. او از یاران نزدیک رسول خدا(ص) و امام علی(ع) و از شیعیان نخستین و راستین صدر اسلام است.

وی در مدائن وفات یافت و حضرت علی(ع) در عالم معنی و غیب، خود را به مدائن رسانید و او را غسل و کفن کرد و بر جنازه‌اش نماز خواند و در همان جا دفن نمود. هم اکنون مرقد او زیارت‌گاه شیفتگان حقیقت و معرفت است.

شکنجه و آزار ابن‌زبایات، به دستور متوکل عباسی سال 233 هجری قمری

محمد بن عبدالملک، معروف به زبایات و وزیر، در دوران خلافت معتصم عباسی(هشتمین خلیفه عباسیان) به خاطر برخورداری از فضل و دانش و تبخّر در علم نحو و لغت، جذب دستگاه خلافت عباسی گردید.

وی به معتصم عباسی، بسیار نزدیک و از خواص وی به شمار می‌آمد. به همین جهت، معتصم عباسی مقام وزارت را به وی واگذار کرد و بر ارج و منزلت او افزود.

زبایات به خاطر برخورداری از ذوق شعر، دانایی و حسن سلوک و پشتیبانی از دستگاه خلافت و فروتنی در برابر خلیفه وقت، موقعیت مناسبی برای خویش به وجود آورد.

وی در دوران خلافت سه تن از خلفای عباسی(معتصم، واثق و متوکل) نقش مؤثری در حکومت و خلافت داشت و برای خوش‌خدمتی خلفا و تدبیر امور سیاسی و نظامی، تلاش‌های بلیغی به عمل آورد.

پس از مرگ معتصم عباسی در نیمه ربیع‌الاول سال 227 قمری، با پسرش ابوجعفرهارون، ملقب به الواثق بالله بیعت شد.

در تمام دوران خلافت پنج‌سال و نه ماهه واثق‌عباسی، زیات، مقام وزارت را بر عهده داشت و یکه‌تاز میدان سیاست بود.

وی در این مدت، تنوری چوبین که اطراف آن را از داخل با میخ‌های آهنین برجسته کرده بودند، درست کرد و مخالفان خود و حکومت را در داخل آن شکنجه می‌کرد.

متوکل‌عباسی که در دوران خلافت معتصم و واثق، یک جوان عیاش، بی‌بندوبار و هوس‌باز بود و طمع به خلافت داشت، همیشه مورد بی‌مهری و تحقیر واثق‌عباسی و وزیرش زیات قرار می‌گرفت.

قاضی‌احمد بن ابی داود که شاهد رشد روزافزون مقام و قدرت زیات در دستگاه خلافت عباسی بود، بر او رشک می‌ورزید و دشمنی او را در قلب خود پنهان می‌کرد.

قاضی‌احمد بن ابی داود، برعکس زیات، نسبت به متوکل مهربانی کرده و وی را محترم می‌شمرد. در ذی‌حجه سال 232 قمری، واثق‌عباسی وفات یافت و متوکل‌عباسی، به عنوان دهمین خلیفه عباسی بر تخت خلافت تکیه زد. وی در آغاز، زیات را از وزارت عزل و احمد بن ابی داود را به وزارت خویش نصب کرد. متوکل روز به روز با تحریکات احمد بن ابی داود، نفرت خویش نسبت به زیات را آشکار می‌ساخت. تا در هشتم صفر سال 233 قمری، دستور دستگیری و حبس زیات را صادر کرد. ایتاخ به دستور متوکل، زیات را زندانی و به انواع شکنجه‌ها آزد و تمام دارایی‌اش را مصادره کرد و سرانجام وی را در همان تنوری که برای شکنجه مخالفان خود درست کرده بود، انداخته و آن قدر وی را شکنجه کردند، تا به دیار نیستی شتافت. برخی گفته‌اند که در زیر تازیانه جان داد.

درگذشت « ابن ثباته & raquo; شاعرو نویسنده عرب در سال 768 هجری قمری

« ابن ثباته & raquo; شاعر و نویسنده عرب در سال 768 هجری قمری درگذشت. او از محضردرس بسیاری از فضلا و ادیبان عصر خود بهره برد و مدتی هم کاتب دارُ الانشای شهر دمشق بود. ابن ثباته در کنار کارهای دیوانی و دولتی به سرودن شعر پرداخت. شعرا و آکنده از صنایع بدیعی است و انعکاس چندانی از اوضاع زمان در آنها مشاهده نمی‌شود.

رحلت آیت الله سید ابوالقاسم موسوی خوئی 1413 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت :

سید ابوالقاسم خوئی، در سال 1317 هجری قمری در شهرستان خوی از توابع آذربایجان غربی، در یک خانواده علمی و مذهبی دیده به جهان گشود.

پدر بزرگوار او، مرحوم سید علی اکبر خوئی، از شاگردان مبرز شیخ عبدالله مامقانی بود و برادرش سید عبدالله خوئی، که هر دو از بزرگان عصر خویش به شمار می‌رفتند.

اساتید :

اساتید او در مراحل مختلف تحصیلی، بزرگان و استوانه های فقهاتی زیر بوده اند.

1 - شیخ الشریعه اصفهانی.

2 - شیخ مهدی مازندرانی.

3 - شیخ ضیا الدین عراقی.

4 - شیخ محمد حسین اصفهانی.

5 - شیخ محمد حسین نائینی.

تدریس :

مرحوم سید ابوالقاسم خوئی، عاشق تدریس بود او تا توان داشت، در این سنگر مهم به انجام وظیفه می پرداخت خود مراحل تدریس را چنین می نویسد: (خارج مکاسب شیخ اعظم انصاری را از اول تا آخر دو بار تدریس کرده ام، همچنان که خارج کتاب صلوة را ده بار تدریس نموده ام تدریس خارج العروة الوثقی را در 26 ربیع الاول 1377 آغاز نموده، و از کتاب طهارت تا کتاب اجاره به پایان رسانده ام - چون اجتهاد و تقلید را قبلا تدریس نموده بودم - و هم اکنون که ماه صفر 1401 می باشد، نزدیک به اتمام آن هستم مباحث مربوط به اصول را 6 بار تمام القا نموده ام، اما در دور هفتم گرفتاری های مرجعیت، مانع از اتمام آن شد و در مبحث (ضد) آن را کنار گذاشتم.

شاگردان :

حقیقتا نمی توان شاگردان و خوشه چینان حوزه درسی این فقید بزرگوار را به شمار آورد چون در طول شصت و هفت سال تدریس، انبوهی از علما و فضلا از محضر درس ایشان بهره گرفته اند فقط می توان به اسامی برخی از برجستگان اشاره نمود.

1 - شیخ صدرا باد کوبه ای.

2 - شهید سید محمد باقر صدر.

3 - شیخ محمد تقی ایروانی.

4 - میرزا جواد آقا تبریزی.

5 - میرزا کاظم تبریزی.

6 - سید جعفر مرعشی.

7 - سید علی سیستانی.

8 - سید علی بهشتی.

9 - شیخ محمود فیاض.

10 - سید رضا خلخالی.

11 - شیخ علی اصغر احمدی شاهرودی.

12 - شیخ جعفر نائینی.

13 - سید محمد مهدی خلخالی.

14 - شهید میرزا علی غروی.

16 - سید محمد روحانی.

17 - سيد تقى طباطبایى قمى.

18 - شهيد شيخ مرتضى بروجردى.

19 - شيخ محمد تقى جواهرى.

20 - شيخ محمدرضا جعفرى.

تألیفات :

معظم له شاید یکی از موفق ترین مراجع عصر اخير از نظر تألیف و تصنیف و تقریر بوده است که برای نمونه به چند اثر اشاره می نمائیم.

1 - البیان فی تفسیر القرآن ج 1.

2 - نفحات الاعجاز در دفاع از کرامت و عظمت قرآن.

3 - اجود التقریرات ج 2 (اصول).

4 - تکملة منهاج الصالحین ج 1 (فقه).

5 - مبانی تکملة منهاج الصالحین ج 2 (فقه).

6 - تهذیب و تتمیم منهاج الصالحین ج 2 (فقه).

7 - المسائل المنتخبه ج 1 (فقه).

8 - مستحدثات المسائل ج 1 (فقه).

9 - تعلیقة على العروة الوثقى ج 1 (فقه).

10 - رسالة فى اللباس المشكوك ج 1 (فقه).

11 - منتخب الرسائل ج 1 (فقه).

12 - تعلیقة على المسائل الفقهیه ج 1 (فقه).

13 - منتخب توضیح المسائل ج 1 (فقه).

14 - تعلیقة على توضیح المسائل ج 1 (فقه).

15 - تلخیص المنتخب ج 1 (فقه).

16 - مناسك الحج (عربى) ج 1 (فقه).

17 - مناسك حج (فارسی) ج 1 (فقه).

18 - تعلیقة المنهج لاحكام الحج ج 1 (فقه).

خصوصیات اخلاقی :

خصوصیاتی که اکثر بزرگان در آنها اتفاق نظر و تأکید دارند عبارتند است از.

1 - آن مرد بزرگ از دوران جوانی به تدریس و بحث و گفتگوهای علمی علاقه فراوانی داشت با اینکه بار مرجعیت در سنین اخیر بر دوش او سنگینی می کرد، ولی از تدریس و تحقیق و نگارش دست بر نداشت حتی در سفرهای خود به مشاهد مشرفه، کار علمی را ترك نمی کرد و کارهای موقتی که يك محقق می تواند در سفر انجام دهد، جزو برنامه خود قرار می داد و چه بسا در مجلسی که گروهی به دیدن او می آمدند، او از کار مقابله و غیره استفاده می کرد در علاقه او به بحث و گفتگو همین بس که چه بسا ساعاتی با طرف مقابل به بحث و گفتگو می پرداخت و احساس خستگی نمی کرد.

2 - او از دوران جوانی تا سنین بالا که مرجعیت عظیمی پیدا کرد، به يك حالت زیست و زندگی طلبگی را از دست نداد و پیوسته با کمال ابهت و عظمت مانند يك دانشجوی دینی سخن می گفت و سخن می شنید و از دوستان و بزرگان و کوچکان پذیرایی می کرد عجب و خود بینی در او راه نداشت، ولی در عین حال از آرا و اندیشه های خود تا حد توان دفاع می کرد.

3 - او بزرگان را بیش از حد تکریم می کرد، نقل می کنند، روزی که در مسجدی درس می گفت، مرحوم سید محسن حکیم پس از درس او در همان جایگاه تدریس می کرد، استاد پس از فراغت از تدریس به خاطر مذاکره تلامیذ، کمی در جایگاه تدریس باقی ماند که ناگهان مرحوم سید محسن حکیم وارد مسجد شد وقتی چشم مرحوم سید ابوالقاسم خوئی به وی افتاد، با يك دستپاچی خاصی کفش و لوازم دیگر خود را بر داشت و دست به سینه ایستاد و معذرت خواست.

دوران :

مرحوم سید ابوالقاسم خوئی در مدت زعامت خود با مصائب و مشکلات فراوانی روبرو شد، زیرا پس از تسلط عبدالکریم قاسم بر عراق و کودتاهای مکرر، وضع روحانیت و مردم نجف ، دچار مشکل شد.

کمونیست های وطنی از يك سو و بعثی های بی رحم از طرف دیگر، عرصه را بر روحانیت تنگ کردند خصوصاً از سال 1389 هجری قمری که بعثی ها روی کار آمدند، مصائب فراوانی آفریده و مرحوم سید محسن حکیم و پس از وی مرحوم سید ابوالقاسم خوئی را با مشکلات انبوهی روبرو نمودند در شهامت و استقامت این مرد بزرگ همین بس که از دوران تسلط بعثی ها تا به امروز که ربع قرن از آن می گذرد، آنان نتوانستند از این مرجع بزرگ، برگي به نفع خود دریافت کنند، یا در جنگ تحمیلی علیه ایران، دست خطی از او بگیرند و او پیوسته با حفظ مرجعیت و حوزه علمیه نجف، کوچک ترین باجی به آنان نداد و در عین حال ناملايمات را تحمل می کرد، تا آنجا که متجاوز از سیزده سال است که گروهی از نزدیک ترین یاران او به جرم خدمت و دیانت به زندان افتاده اند و از سر نوشت آنان خبری نیست، حتی یکی از فرزندان او یعنی آقای سید ابراهیم خوئی به وسیله بعثیان ربوده شده و هیچ نوع نام و نشانی از او در دست نیست.

او به خاطر ناملايمات از يك طرف و کبر سن از طرف دیگر، دچار بیماری سختی شد و هر چه علاقمندان و بزرگان تلاش کردند که برای او پزشکی از خارج بیاورند، یا او را به خارج ببرند، حزب بعث با آن موافقت نکرد و سر انجام به بیمارستان بغداد منتقل گشت و با يك مداوای مرموز او را مرخص کردند و هیچ روشن نیست که چگونه و به چه علتی از جهان رفت و در تاریخ مرجعیت شیعه این مسأله به تجربه ثابت شده است هر مرجعی که به بیمارستان بغداد منتقل گشت، مرموزانه در گذشت و شما می توانید این مسأله را در تاریخ زندگی مرحوم شیخ احمد کاشف الغطا و مرحوم حاج آقا حسین قمی و مرحوم سید محسن حکیم و غیره به روشنی بیابید.

خدمات :

مرحوم سید ابوالقاسم خوئی (ره) در سلسله نور و رحمت فقاहत، فرد شاخص و چهره بسیار ممتازی بود که دهها اثر ماندنی و بنای خیر جاودان از او به یادگار مانده است اینک فهرست اجمالی برخی از خدمات اجتماعی و اسلامی آن فقیه فقید نامور در اینجا به ثبت می رسد.

1 - مدینه العلم حوزه علمیه قم.

2 - مدرسه علوم دینی در مشهد.

3 - دارالعلم اصفهان.

4 - مجتمع امام زمان (عجل الله تعالى فرجه) در اصفهان.

5 - مرکز تبلیغی و آموزشی لندن.

6 - المجتمع الثقافي الخيري بمبئی - هندوستان.

7 - مبرة الامام الخوئی لبنان.

8 - مدرسة دار العلم نجف اشرف - عراق.

9 - مدارس دينی بانكوك (تايلند) و داکار (بنگلادش).

10 - مكتبة الثقافة و النشر للطباعة و الترجمة و التوزيع (انتشاراتی پاکستان).

11 - مكتبة الامام الخوئی الاسلامی نیویورک - آمریکا.

12 - مرکز الامام الخوئی (سوانزی).

13 - مدرسة دارالعلم بانكوك (تايلند).

14 - مكتبة الامام الخوئی (کتابخانه بزرگ نجف اشرف - عراق).

15 - مدرسة الامام الصادق (پسرانه) لندن - انگلستان.

16 - مدرسة الزهرا (دخترانه) لندن - انگلستان.

17 - مرکز اسلامی امام خوئی در فرانسه.

18 - مسجد و مرکز اسلامی در شهر لوس آنجلس - آمریکا.

19 - مسجد و مرکز اسلامی در شهر دیترویت ایالت میشیگان آمریکا.

دهها بنای خیر و مرکز تعلیم و تربیت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس.

وفات :

سر انجام این مرد بزرگ پس از يك عمر تلاش و كوشش بطور مرموزی در بیمارستان در روز هشتم ماه صفر سال 1413 هجری قمری به لقا حق پیوست.

در گذشت او ساعتها مکتوم ماند و سر انجام رادیو بغداد مجبور به باز گویی آن شد انتشار خبر در گذشت او موجی از اندوه در میان شیعیان پدید آورد شیعیان مظلوم عراق که در خوف و رعب عظیمی به سر می برند، خود را آماده تشییع نمودند، ولی متأسفانه حکومت بعث، حتی در خود نجف اجازه تشییع نداد و آن مرحوم در يك حکومت نظامی محلی در نیمه شب در صحن شریف در مدخل مسجد الخضرا که جایگاه تدریس او بود به خاک سپرده شد و در تشییع او جز چند نفر از شاگردان او و فرزند عزیزش سید محمد تقی خوئی کسی حضور نداشت.

آنان به ظاهر جنازه مرحوم سید ابوالقاسم خوئی را به خاک سپردند، ولی در حقیقت کوهی از علم و دانش و جهانی از سعی و تلاش و وقار را زیر خاک نهادند.

آغاز عملیات محمد رسول الله (ص) در سال 1360 هجری شمسی

عملیات متوسط محمد رسول الله (ص) در تاریخ دوازدهم دی ماه 1360 با رمز مقدس « لا اله الا الله، محمد رسول الله (ص)؛ با هدف انهدام نیروهای دشمن و نشان دادن قدرت نفوذی و تهاجمی ایران در منطقه غرب نوسود در کردستان صورت گرفت و تا سیزدهم دی ماه به طول انجامید.

در این عملیات، نیروهای سپاه، ضمن عبور از مناطق کوهستانی و تله های انفجاری، به مصاف دشمن بعث رفتند. با عبور شجاعانه رزمندگان از مرزهای بین المللی، پایگاه های بعثیان و ضد انقلاب در این منطقه درهم کوبیده شده و مقر فرماندهی یکی از تیپ های دشمن منهدم گردید. رزمندگان اسلام، پس از پیشروی به داخل شهرهای عراق، ضربات سختی به پایگاههای دشمن وارد آوردند. در نهایت از آن جا که این عملیات به صورت انهدامی، پیش بینی شده بود، تثبیت موضع صورت نگرفت و رزمندگان پس از پایان ماموریت، پیروزمندانه به پایگاههای خود در داخل خاک وطن بازگشتند. نتایج این عملیات: تلفات نیروی انسانی دشمن: 100 نفراسیر، 700 نفر کشته و زخمی. تجهیزات و امکانات: 4 تانک 4 دستگاه انهدامی، هلیکوپتر 2 فروند انهدامی، هواپیمای میگ 1 فروند انهدامی. این عملیات، آرامش دشمن را در غرب کشور برهم زد و به رژیم بعث نشان داد که از این پس، نیروهای متجاوز عراق در هیچ منطقه از خاک ایران، از حملات نیروهای جمهوری اسلامی ایران، مصون نیستند.

تولد پاتریس لومرما بانی استقلال کنگو در سال 1925 میلادی

پاتریس لومرما بانی استقلال کنگو در سال 1925 میلادی در افریقا متولد شد. لومرما فارغ التحصیل رشته حقوق بود و در نهضت آزادی افریقا حضوری فعال داشت. لومومبا در سال 1958 میلادی به عضویت دائم کنفرانس مردم سراسر افریقا درآمد و در کنار آن ریاست نهضت ملی کنگو را نیز به عهده گرفت. پس از تأسیس جمهوری دموکراتیک کنگو در سال 1960 میلادی لومرما به مقام نخست وزیری و وزارت دفاع منصوب شد. اما بعد از مدتی عوامل داخلی سرسپرده بیگانه شوریدند و ایالت کاتانگا را مستقل اعلام کردند. در پی این شورش لومبا از کار برکنار شد و تحت نظر نظامیان کنگو قرار گرفت. سرانجام در سال 1961 میلادی خبر کشته شدن لومومبا منتشر شد و ناآرامی سراسر کنگو و بسیاری از کشورهای افریقایی را فرا گرفت. سرزمین من کنگو از آثار تألیفی پاتریس لومومباست.